



خطبه ای از انجیل یوحنا 7:37-39

37 در آخرین روز که مهمترین روز عید بود، عیسی ایستاد و با صدای بلند گفت: «اگر کسی تشنه است نزد من بیاید و بنوشد. 38 چنانکه کلام خدا می‌فرماید: 'نهرهای آب زنده از درون آن کسی که به من ایمان بیاورد جاری خواهد گشت.'» 39 این سخنان را درباره روح القدس، که می‌باید به مؤمنین او داده شود می‌گفت و چون هنوز عیسی جلال نیافته بود روح القدس عطا نشده بود.

40 سال می‌بایستی قوم اسرائیل در بیابان‌ها سرگردان می‌بودند. تقریباً اندازه عمر یک انسان آنها می‌بایستی با مرگ دست و پنجه نرم می‌کردند. در آن زمان هیچ قطره آبی و خرده نانی نبایستی از بین می‌رفت. ولی در این زمان، زمان پر برکت و با ارزشی برای آنها بود زیرا ادم می‌توانست در آن موقع دست حمایت‌کننده خداوند را به خوبی ببیند و آن را حس کند. و این‌ها را نبایستی یهودیان فراموش می‌کردند برای همین آنها یک روزی را برای فراموش نکردن این روز تعیین می‌کنند. این روز را آنها روز سایه بان‌ها می‌نامند. در این زمان یهودیان خانه‌های کوچکی بنا می‌کردند. همانطور که در کتاب لاویان آمده است یهودیان این کار را تا به امروز انجام می‌دهند. در آنجا این مرسوم بوده است که رئیس یهودیان از بالای معبد به پایین جایی که حوض Siloah teich قرار داشت می‌آمد و یک پیاله آب از آنجا به بالا حمل می‌کرد. در زمان انجام مراسم موزیک نواخته می‌شد و این آب به همراه جام شرابی به کاسه بزرگی ریخته می‌شد و همه آن را ستایش می‌کردند. و در آنجا ادم به این فکر می‌افتاد که چطور خداوند قوم خودش را در بدترین شرایط حفظ کرده است.

عیسی در یکی از این روزها وارد این مراسم می‌شود و خودش را مخفی می‌کند و فقط به حرکات انسان‌ها توجه می‌کند. او خوشحالی آن مردم را می‌دید که چطور آن آب‌ها را به معبد می‌بردند همچنین او این اعمال کورکورانه آنها را نیز می‌توانست تشخیص دهد. او با خودش می‌گفت که بعد از گذشت سال‌ها آنها هنوز باز برای این روز جشن می‌گیرند در صورتی که ناجی آنها همین الان در کنار آنها هست. تمام خوشحالی آن مردم فقط در مقوله‌های سرزمین و آب و ثروت خلاصه می‌شد. آنها با این کارشان از هدف اصلی خدا دور شدند. آنها در آن زمان‌ها به موسی اعتماد کامل کردند ولی اکنون که عیسی در نزد آنها قرار دارد هیچ اعتنایی نمی‌کنند. و آنها نمی‌دانند که عیسی قصد دارد هدیه بهتری را به آنها بدهد. آنها تا به آن روز برکات و هدایای خدا را فقط مختص در روی همین زمین می‌دیدند و فکر آن را نمی‌کردند که روزی این برکات برای فرزندان خدا و برای همیشه خواهد شد. عیسی به یک خاتم سامری این را می‌گوید که اگر تو می‌دانستی با چه کسی صحبت می‌کنی حتماً از من می‌خواستی که آب جاویدان را به تو بدهم.

عیسی بعد از دیدن این مراسم‌ها به سمت این اجتماع فریاد می‌زند و می‌گوید هر کسی که تشنه است به سوی من بیاید. و آب بنوشد. هر کس که به من ایمان داشته باشد همانطور که در نوشته‌ها آمده است. من آب جاویدان را در او جاری می‌کنم. به همین ترتیب این سخنان در آیه‌های امروز یعنی در یوحنا 7 مابین آیه‌های 37-39 آمده است.

عیسی در آنجا شادی آن مردم را می‌دید و با خود می‌گفت ای اینها از تزئینات آن مراسم سیراب نیستند آیا آنها به آب حقیقی نیاز ندارند؟ و آیا آنها هنوز تشنه نیستند؟ برای همین عیسی این تشنگان را صدا می‌زند و دوست دارد که آنها را سیراب کند. عیسی این سخنان را نیز امروز به ما و به هر کسی که او، او را آفریده است می‌گوید که بیایید به نزد من تا من شما را سیراب کنم. و او همه را به این آب دعوت می‌کند. ما از طریق چیزهایی که داریم تکامل نمی‌یابیم. عیسی یک بله خیلی اشکار و محکم به ما می‌گوید و او واقعا قصد دارد که تشنگی ما را از بین ببرد. او بخاطر اینکه خدای زنده است دوست دارد که به وجود ما رخنه کند و ما را دربر گیرد. همچنین عیسی یک نه به خیلی از

چیزهایی که در زندگی مان که مانع دیدن ما به ان اب حیاط می شوند می گوید. کلمات عیسی یک مژده و یک تائیدیه برای ما انسان ها است همچنین واکنش او به سوی تمام موانع در پیش روی ما نیز منفی می باشد چیزهایی که ما انسان ها می خواهیم با آنها جای محبت اصلی خدا را در بین خودمان قرار دهیم.

بعضی ها هم این سخنان عیسی را می شنوند و در اینباره می گویند که: نمی شود ما را به حال خودمان بگذارید و برای ما چیزی را تکلیف و تعیین نکنید. ما دوست داریم که در این مدت کوتاهی که در این دنیا هستیم به خوشی بگذرانیم. و از ان لذت ببریم. و در انتها هم از درد مرگ نیز هم خواهیم مرد. در اصل هم تعدادی از مردم با این روش در زندگی خودشان موفق هستند و به خوبی تا اخر عمرشان زندگی می کنند. ولی در انتهای زندگی هر شخص یعنی در زمان مرگ، این سخنان عیسی نقش مهمی را بازی می کند. حال چه چیزی در اینجا متناقض می باشد؟ آیا تشنگی یک چیز متضاد در این مسئله می باشد؟ من کودکی خودم را به یاد دارم که در گرمای بالای افریقای جنوبی در حال بازی کردن در بیرون از خانه بودم که بعد از گذشت ساعت ها و تشنگی فراوان، با بدنی کاملاً کثیف به سوی خانه می رفتم و در آشپزخانه ای که در ان مدرم با عصبانیت به من نگاه می کرد وارد می شدم و یک گالن اب را به یک مرتبه سر می کشیدم تا تشنگی ام را برطرف سازد. البته ان لحظه هم خیلی دلپذیر بود. ما انسان ها هم در مقابل خدا نیز همینطور هستیم. ما تا زمانی که بدون خدا هستیم چیزی درک نمی کنیم ولی در لحظه اخر و در زمان مرگ این تشنگی ما بالا می زند و در انجا نیاز مبرم به اب حیاط بخش عیسی داریم. و می گوئیم که من دیگر نمی توانم بدون عیسی زندگی کنم زیرا من فکر می کنم که جای و مرحله دیگری نیز باید بجز مرگ نیز وجود داشته باشد.

عیسی همه را صدا می زند. شنوندگان و ماها همه این را می دانیم. بدون آب هیچ محصولی بوجود نمی آید و بدون محصول هیچ زندگی ادامه نخواهد داشت. ما این امر را می توانیم در سراسر جهان ببینیم. آیا تو هم می توانی نشانه هایی از این مسئله در این دنیا پیدا کنی؟ بدون عیسی هیچ زندگی واقعی وجود ندارد. ایمان مسیحی ما این تشنگی را از بین می برد. بخاطر اینکه من می دانم به چه کسی دعا می کنم و او تشنگی درونی ام را بدین وسیله از بین می برد و او من را کاملاً درک می کند. خدا به ما محبت زیادی دارد و چه زیبا که او به ما می تواند بگوید که من شما را همانطور که هستی دوست دارم و می پذیرم با همه اشتباهات.

من این را می دانم که خدا ما را پاک خواهد کرد. در ان زمانی که پسر **Thomas** چهار سال سن داشت قوطی رنگی را پیدا می کند و او سعی می کند تا اطراف خودش را رنگ بزند. ولی او دست و صورت و بدن خودش را بیشتر رنگی کرده بود نسبت به ان جایی که او قصد داشت رنگ بزند. و در انتها او شروع به گریه کردن می کند زیرا او تازه فهمیده بود که ان رنگ ها را نمی توان به اسانی از بدن پاک نمود. و در ان جا بایستی پدرش می آمد و تمام بدن او را با احتیاط تمام و با مواد خاصی پاک کند. و در مدت کوتاهی او کاملاً تمیز شد و مثل روز اول پاکیزه گشت. خدای ما نیز می داند که چه لکه هایی بر روی ما نشسته است و او برای شستن ان مواد مناسب را دارد. حتی اگر بدترین خون ها بر روی ما باشد. این را داوود پادشاه در مزامیر **51** نیز گفتند که ما بایستی دوباره همانند برف سفید شویم.

ای عزیزان این است اب پاکی که عیسی دوست دارد به ما بدهد. او ما را صدا می زند و می گوید هر کس که تشنه است بیاید و من به او اب خواهم داد. اگر ما حرف او را گوش کنیم زندگی ما با ان اب تکامل می یابد. و ان اب به مقداری خواهد بود که ما با ان می توانیم ان قدرت عیسی را به همه جا گسترش و مژده دهیم.

و بدین ترتیب زندگی نجات بخش از ما صادر می شود. و انسان های غمگین تسلی پیدا می کنند و دوباره می توانند امید را در زندگی خودشان پیدا کنند. انهایی که بی جواب مانده اند در ما کسی را پیدا می کنند که با او حرف بزنند و ادم های ضعیف در ما نیروی از دست رفته خودشان را باز خواهند یافت و دوباره قوی می شوند. انسان های پیر محبت و کمک را دوباره از ما دریافت خواهند کرد و دوباره کسی برای آنها زمان خواهد گذاشت و حرف های آنها را گوش خواهند کرد. جوانان دیگر این احساس را دارند که ما درباره آنها به خوبی فکر می کنیم. فقرا می توانند این را ببینند که ما امکانات خودمان را با آنها قسمت می توانیم بکنیم. افراد مریض ملاقات می شوند و افراد تنها به جامع باز می گردند و افراد غمگین لبخند می زنند.

قدرت ما دیگران را قوی می سازد. انسان های اطراف ما می توانند بر روی ما حساب کنند. زیرا عیسی و قدرت او در ما زندگی می کند. و برای همین یک امید زیادی برای ما وجود دارد که ما این زندگی پر تلاطم را برای رسیدن به آینده خوب پشت سر بگذاریم.

در پیش عیسی فقط این وجود دارد که می گوید: هر کس که تشنه است بیاید تا من به او آب بدهم. در نزد عیسی فقط اب حقیقی وجود دارد. هر کسی که به من ایمان دارد این اب حیات بخش در زندگی او سرازیر خواهد شد. و این موج خروشان از ما به انسانها اطراف مان راه پیدا می کند. و در آنها همان تأثیری را خواهد گذاشت که عیسی ان را در نظر دارد.

خدا برای ما روح القدس را می فرستد تا ما کامل بشویم. و ان از طریق ما به انسان های دیگر نیز منتقل می گردد.

آمین